

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سيزدهم رجب ۱۴۴۳ مطابق با ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

ميلاد با سعادت مولای متقيان امام على (عليه السلام)

تبريك و تهنيّت به پيشگاه معصومين عليهم السلام بويژه ولى عصر امام زمان (عج) و بر همه ارادتمندان و مواليان و محبين اهل بيت عصمت و طهارت و بهترين بهره‌هاى از اين مناسبت نصيب و روزى همه شيعيان و مسلمانان و محرومين جهان باد

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ، الْمُضِيئَةِ الْمُثْمَرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُؤَقَّةِ بِالْإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجِيعِكَ أَدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِينَ بِقَبْرِكَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

از ابتدای صبح ازل مقتدا علیست
تا انتهای شام ابد رهنما علیست
حبل المتین محکم و برهان قاطع است
لوح و قلم علیست قدر تا قضا علیست

پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره حضرت امیر(صلوات الله و سلامه علیه) فرمود: «ان الله جعل لآخى على فضائل لا تحصى كثرة فمن ذكر فضيله من فضائله مقراً بها غفر له ما تقدم من ذنبه و ما تاخر و من كتب فضيله من فضائله لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقى لتلك الكتابه رسم، ومن استمع الى فضيله من فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالاستماع، و من نظر الى كتاب من فضائله غفر الله له الذنوب التي اكتسبها بالنظر- به راستی خدا برای برادرم على فضائلی مقرر داشت که از فرط فراوانی قابل شمارش نیست. پس هر که فضیلتی را از فضائل او یاد کند و به آن اقرار کند، خداوند گناهان حال و گذشته او را بیامرزد و هرکه یک فضیلت از فضائش را بنویسد تا آن نوشته هست، دائماً ملائکه برایش استغفار می‌کنند و هرکه به فضیلتی از فضائش گوش جان بسپارد، خدا گناهانی را که از راه شنیدن مرتکب شده، بیامرزد. و هرکه نگاهی به نوشته‌ای از فضائش بیندازد، خدا گناهانی را که از راه نگاه مرتکب شده، بیامرزد.» (فرائد السمطين ، ج ۱، ص ۱۹ .، المناقب خوارزمی، ص ۳۲؛ ح ۲، کفایه الطالب، گنجی، ص ۲۵۲)

امروز زنده ام به ولای تو یا علی
فردا به روح پاک امامان گواه باش

موضوع تدبر:

این است که: اقرار به فضائل و کمالات علی (علیه السلام) چگونه با بی‌تفاوتی و جدی نگرفتن مرام و مسلک آن حضرت یا دشمنی با او قابل جمع است؟

پاسخ:

پاسخ اجمالی پرسش این است که قلب، بخاطر تعلقات و دلبستگی‌هایش در غفلت یا اعراض از حقایقی قرار می‌گیرد که به آنها اعتراف دارد؛ بنابراین بسیاری امثال بنده که به ظاهر جزء شیعان آن سرور محسوب می‌شوند، دچار بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به مرام و مسلک آن حضرت زندگی، را می‌گذرانند و

بسیاری نیز شیفتگی قدرت و ثروت، آن‌ها را به موضع دشمنی و عداوت با سرور کائنات کشانیده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمودند: «النظر الى اخی علی عبادہ، و ذکرہ عبادہ، و لا یقبل الله ایمان عبد الا بولایتہ و البراءہ من اعدائہ» - نگاه به برادرم علی و یاد او عبادت است و خدا ایمان هیچ بنده‌ای را جز با ولایت او و برائت از دشمنانش، نمی‌پذیرد. (المناقب خوارزمی، ص ۳۲؛ ح ۲، کفایه الطالب، گنجی، ص ۲۵۲، باب ۶۲؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۱۹)

مشابه این سخنان را دشمنان آن حضرت فراوان از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده‌اند؛ ابوبکر گفت: از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می‌فرمود: «خداوند واقعاً از نور روی علی بن ابیطالب ملائکه‌ای آفرید که خدای را تسبیح گویند و تقدیس می‌کنند و ثوابش را برای دوستان علی و دوستداران فرزندان او می‌نویسند.» (المناقب خوارزمی، ص ۳۸) و همین‌طور گفته است: هنگامی که آوازی از درخت خرما شنیده شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: «آیا دانستید این نخل چه گفت؟ گفتیم: «خدا و رسولش بهتر می‌دانند.» حضرت فرمود: «صاحت: هذا محمد رسول الله و وصیه علی بن ابی طالب» این محمد پیامبر خداست و وصی او علی بن ابیطالب علیه السلام است.» (المناقب خوارزمی، ص ۳۹)

فارغ از هر دو جهانم، به گل روی علی
 طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست
 یاد آرم به خرابات، چو ابروی علی

سالم می‌گوید: «با علی علیه السلام در زمینی کار می‌کردیم که ابوبکر و عمر نزد علی علیه السلام آمدند و گفتند: «السلام علیک یا امیرالمؤمنین، به آن دو نفر گفته شد: آیا شما در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم با عنوان «امیرالمؤمنین» سلام می‌کردید؟» عمر گفت: «پیامبر این چنین به ما دستور داده است.» (المناقب خوارزمی، ص ۴۹-۵۰) عمر گفت در گذشته من به علی جفا می‌کردم، پس روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من برخورد کرد و فرمود: «ای عمر! مرا آزردی.» پرسیدم: «به چه کاری؟» فرمود: «تجفو علیاً، من آذی علیاً فقد آذانی» به علی ستم می‌کنی، هر که علی را بیازارد، مرا آزرده است.» (المناقب خوارزمی، ص ۶۵) و نیز عمر به نقل از سلمان گوید: «هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالت احتضار بود، به خانه‌اش رفتم و گفتم: «آیا وصیت کرده‌ای؟» فرمود: «ای سلمان آیا می‌دانی اوصیا چه کسانی هستند؟» گفتم: «خدا و رسولش داناترند.» فرمود: «وصی حضرت آدم علیه السلام «شیث» بود و از بهترین فرزندان باز مانده‌اش بود و وصی نوح علیه السلام سام بود که برترین کسی بود که پس از او مانده بود، و وصی حضرت موسی علیه السلام یوشع بهترین بازمانده او بود و وصی سلیمان علیه السلام، آصف بن برخیا بهترین بازمانده‌اش بود. و وصی عیسی علیه السلام شمعون برخیا بود. و حتماً من علی (علیه السلام) را وصی قرار می‌دهم که او برترین کسی است که پس از خود به جا می‌گذارم.» (المناقب خوارزمی، ص ۸۵) و عثمان، در پی قضاوت‌های علی علیه السلام گفت: «لولا علی لهلك عثمان» (نقل از الغدير، ج ۸، ص ۲۱۴؛ زین الفتی فی تفسیر سوره هل اتی، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۲۲۵)

از «مجاهد» نقل شده است: «نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ سَبْعُونَ آيَةً لَمْ يَشْرِكْهُ فِيهَا أَحَدٌ» در شأن علی (ع) هفتاد آیه نازل شده است که هیچ فردی (در این فضیلت) با او شرکت ندارد. «عبد الرحمن بن ابی لیلی» می‌گوید: «لَقَدْ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ (ع) ثَمَانُونَ آيَةً صَفَوُا فِي كِتَابِ اللَّهِ مَا شَرِكُهُ فِيهَا أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ - به راستی در شأن علی (ع) هشتاد آیه خالص در کتاب خدا (قرآن) نازل شده است که هیچ فردی از این امت با او (در این باب) شرکت ندارد.» (شواهد التنزیل، حاکم نیشابوری، مؤسسه چاپ و نشر، تهران، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۵)

یا رب به علی بن ابی طالب و آل
کاندر سه مکان رسی بفریاد همه

آن شیر خدا و بر جهان جل جلال
اندر دم نزع و قیر و هنگام سؤال

در یکی از سفرها معاویه وارد مدینه شد؛ ولی کسی به استقبال او نرفت. به «قیس بن سعد بن عباد» برخورد و با او از عدم استقبال مردم مدینه شکایت کرد. قیس پاسخ دندان شکنی داد (و کارهای زشت او را بیان نمود و عامل عدم استقبال را، کارهای خود معاویه معرفی کرد). معاویه به دنبال پسر عموی امام علی(ع) ابن عباس فرستاد و در کمال عصبانیت به او گفت: شنیده‌ام تو دست از ذکر فضایل علی برنمی‌داری؟ بترس از اینکه گرفتار عقوبت سخت من شوی، به گونه‌ای که از آن رهایی نداشته باشی. ابن عباس گفت: تمام اهل مدینه می‌دانند من به غیر از تفسیر قرآن که از برای آنان می‌گویم، کاری ندارم؛ ولی چون از پیامبر اکرم (ص) شنیدم که فرمود: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَنْتَبِأْ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ» کسی که قرآن را [بر خلاف حقیقت خودش و] طبق رأی خود تفسیر کند، جایگاه او در آتش جهنم خواهد بود. و تو ای معاویه! می‌گویی که من تفسیر قرآن بگویم، آیا درست تفسیر کنم و یا برخلاف واقع و حقیقت بگویم؟ معاویه گفت: تفسیر بگو و خلاف حقیقت و دروغ معنی نکن؛ ولی حق نداری دم از فضیلت علی بزنی. ابن عباس گفت: چگونه ممکن است انسان قرآن را تفسیر کند؛ اما از علی(ع) تعریف و تمجید نکند، [چون کرایم قرآن درباره اوست و او قرآن ناطق است]. معاویه گفت: این سخن معنا ندارد. قرآن این همه آیه دارد شما ۲ تا آیه‌اش را که مربوط به علی بن ابی طالب است، بخوان! بقیه آیات را بخوان و تفسیر کن! ابن عباس گفت: اگر برای مردم خواندم: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» مگر این آیه درباره علی بن ابی طالب(ع) نیست (که در روز غدیر نازل شد)؟ گفت: چرا، درباره علی است؛ ولی تو این آیه را بخوان و تفسیر نکن. گفت: اگر برای مردم خواندم: «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ أَحْشَوْنَ» مگر این آیه در شأن علی بن ابی طالب(ع) نیست؟ [که باز هم در غدیر خم نازل شد] و اگر من آیه را اینگونه تفسیر کنم درست تفسیر نموده‌ام، وگرنه خلاف واقع تفسیر نکرده‌ام؟ معاویه گفت: بله، این آیه هم درباره علی بن ابی طالب(ع) است؛ ولی شما این آیه را بخوان و تفسیر نکن. آیه دیگری بخوان! ابن عباس گفت: اگر برای مردم خواندم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» آیا این آیه درباره علی(ع) و شیعیان) او نیست؟ و اگر من اینگونه تفسیر کنم، صحیح است؛ و گرنه خلاف واقع است. معاویه گفت: چرا، این آیه نیز درباره علی(ع) است؛ ولی تو این آیه را هم بخوان. آیه دیگری بخوان و تفسیر کن! گفت: اگر این آیه را خواندم: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» مگر این آیه در شأن علی(ع) نازل نشده است؟ و اگر من اینگونه تفسیر کنم، درست تفسیر نموده‌ام، و گرنه دروغ گفته‌ام. معاویه گفت: بله، این آیه نیز در شأن علی(ع) نازل شده است؛ ولی شما این آیه را بخوان و تفسیر نکن، آیه دیگری بخوان و تفسیر کن!

یا رب بحسین و حسن و آل عبا
بی منت خلق یا علی اعلی

یا رب بمحمد و علی و زهرا
کز لطف برآر حاجتم در دوسرا

گفت: اگر این آیه را خواندم: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» آیا این آیه درباره علی(ع) و خانواده او نیست؟ اگر من اینگونه تفسیر کنم، مطابق با واقع است، و اگر نه دروغ گفته‌ام و من جرأت بر دروغ ندارم. گفت: آری، این آیه نیز درباره علی(ع) و خانواده اوست؛ ولی شما این آیه را

نیز نخوان. ابن عباس گفت: اگر من این آیه را تلاوت کردم: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» مگر این آیه درباره علی(ع) نیست؟ و باید اینگونه تفسیر کنیم، و گرنه خلاف واقع می‌شود. معاویه گفت: بله، این آیه نیز در شأن علی(ع) نازل شده است؛ ولی شما این آیه را نیز قرائت نکن. ابن عباس گفت: اگر من این آیه را تلاوت کردم: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ» مگر در رابطه با جریان غدیر نیست که «حارث بن نعمان فهری» به پیامبر(ص) عرض کرد: تا دیروز خودت امیر بودی و از فردا می‌خواهی پسرعمویت بر ما امیر باشد، این سخن، اگر از خودت است، که نمی‌پذیریم و اگر از طرف خداوند است، من تحمل ندارم که ببینم علی، امیر باشد، لذا از خداوند خواست که عذابی بر او نازل کند و او را نابود نماید. فریقین نوشته‌اند، (و علامه امینی در الغیر ۳۰ منبع معرفی نموده است) که وقتی حارث این درخواست را کرد، سنگی از آسمان فرود آمد، و باعث مرگ او شد. آیا این آیه درباره فضایل علی(ع) نیست؟ و باید به همین صورت تفسیر شود. معاویه گفت: آری، این نیز درباره علی بن ابی طالب(ع) نازل شده است؛ ولی شما این آیه را نخوان! گفت: اگر این آیه را خواندم: «فَمَنْ حَاجَّكَ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» مگر جان پیغمبر(ص) در این آیه علی بن ابی طالب(ع) نیست؟ و اگر من اینگونه تفسیر کنم، درست است، و گرنه خلاف واقع است. گفت: بله، علی بن ابی طالب(ع) است؛ ولی شما این آیه را نیز قرائت نکن، آیه دیگری بخوان! گفت: اگر خواندم: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؛ «بگو: کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر تمام قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند.» مگر این آیه نیز درباره علی بن ابی طالب(ع) نیست؟ و اگر من به این صورت تفسیر نمودم مطابق واقع تفسیر نموده‌ام و گرنه دروغ گفته‌ام. گفت: این چنین است؛ ولی شما این آیه را هم قرائت نکن و آیه دیگری را قرائت و برای مردم تفسیر کن! گفت: اگر خواندم: «وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»؛ «آنها را (در کنار دوزخ) نگهدارید که باید مورد بازپرسی قرار گیرند.» [آلوسی با همه تعصبش می‌گوید این سؤالی که همه انسانها روز قیامت باید به آن پاسخ دهند سؤال از عقاید است و در رأس آن پرسش از ولایت علی بن ابی طالب(ع) قرار دارد.] ابن عباس گفت: آیا این نیز درباره علی بن ابی طالب(ع) نیست؟ و باید به همین صورت تفسیر شود، نه خلاف واقع؟ معاویه گفت: چرا، این هم درباره علی بن ابی طالب(ع) است؛ ولی شما این آیه را قرائت نکن. گفت: اگر خواندم: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلاً» در میان مؤمنین کسانی هستند که بر سر عهده‌ای که با خدا بستند، صادقانه ایستادند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند [و شهید شدند] و بعضی دیگر در انتظارند و هیچ گونه تغییری در پیمان خود ندادند.» مگر این آیه نیز در مورد علی بن ابی طالب(ع) نیست؟ معاویه گفت: قبول دارم. این آیه نیز در شأن علی بن ابی طالب(ع) است؛ ولی شما این آیه را نیز نخوان، آیه دیگری بخوان و برای مردم تفسیر کن! گفت: اگر خواندم: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ- آنها از چه چیز از یکدیگر سؤال می‌کنند؟ از خبر بزرگ و پر اهمیت.» مگر این آیه نیز در شأن علی بن ابی طالب(ع) نیست؟ و باید به همین صورت تفسیر شود و گرنه مرتکب خلاف شده‌ام؟ گفت: چرا، این نیز درباره علی بن ابی طالب(ع) است؛ ولی شما این آیه را نیز نخوان!

بر تو ز نبی نص جلی ادرکنی
یا حضرت مرتضی علی ادرکنی

ای خوانده ترا خدا ولی ادرکنی
دستم تهی و لطف تو بی پایان است

همین‌طور آیات را تکرار می‌کرد و معاویه می‌گفت: این آیه را بخوان! سرانجام ابن عباس گفت: شما معین کن من چه آیه‌ای را بخوانم؟ معاویه گفت: این سوره را بخوان: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا * وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» ابن عباس گفت: این آیه نیز مرتبط با علی (ع) است؟ معاویه گفت: چگونه؟ گفت: مگر یادت نیست که بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص) در مدینه زلزله‌ای آمد که ابوبکر، عمر و دیگران هر کاری کردند، زلزله آرام نشد. مردم به در خانه علی بن ابی طالب (ع) رفتند؟ (در «تفسیر صافی» تعبیر این است که: امیر المؤمنین از منزل بیرون آمد و لبها را حرکت داد و دست مبارکش را بر زمین قرار داد و فرمود: «مَا لَكَ؟ أَسْكَنِي فَسَكْتُ بِأَذْنِ اللَّهِ- تو را چه شده است؟ ساکت باش! پس به اذن الهی ساکت شد...». آنگاه حضرت فرمود: منم آن انسانی که به زمین می‌گوید: «وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا- چه شده است که این گونه می‌لرزد.»

وقتی سخن به اینجا رسید، معاویه ناچار شد به ابن عباس اجازه دهد که برود تا بیش از این، آیات را در فضیلت حضرت علی (ع) نخواند و او مضمون این شعر را برای معاویه خواند:

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنیم سرانگشت و صفحه بشماریم
(الغدير، ج ۲، ص ۵۲ - ۵۵، - شواهد التنزيل، ج ۱)

سخن آخر به مناسبت میلاد پر برکت مولایمان علی (علیه السلام) با کسانی امثال بنده است که در عصر و فضای انقلاب شکوهمند ایران اسلامی زندگی می‌کنند و ادعای دوستی و محبت پیامبر و اهل بیت او (علیهم السلام) را دارند و در کنار صدها افتخار و ارزش که ثمره دستاوردهای دوران انقلاب و دفاع مقدس و نیز ارزشهای راستین حاکم بر جامعه اسلامی، بوده است، هنوز از خواب غفلت بیدار نشده‌اند و به نابسامانی‌هایی همچون: فساد متصدیان دولتی، تعطیلی برخی حدود الهی، از بین رفتن حرمت احکام اسلامی و تغییر الگوهای رفتاری در قلمرو جامعه مسلمین دامن می‌زنند و عده‌ای محدود هم، با کم‌ترین تلاش، به بیش‌ترین امکانات دست یافتند؛ ولی بر اکثر افراد جامعه، روز به روز فقر و محرومیت آنها اضافه می‌شود. و این در حالی است که در عصر ما امام خمینی و امام خامنه‌ای دو رهبر حکیم و فرزانه انقلاب را تجربه کرده و شیوه زندگی آنها و صدها شهید سرفراز و ... را دیده‌ایم اما افسوس که این همه، باعث نشده است که از خواب غفلت خود برخیزیم!!!

چشم لطفی سوی ما بهر خدا کن یا علی	درد ما را ظاهر و باطن دوا کن یا علی
دل به جان آمد زوسواس اندر این دار مجاز	جان ما را با حقیقت آشنا کن یا علی
چون رضای حق رضای توست ای مجلای حق	با رضای خویشتن ما را رضا کن یا علی
ای رهین لطف عامت اولین و آخرین	لطف خاصی شامل این بینوا کن یا علی

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة